

بررسی جایگاه آیه «نبا» و نفر در حجیت خبر واحد در پرتو سیره عقلا

مرجانة مهدیزاده^۱

سید محمد موسوی بجنوردی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰

چکیده

تردیدی نیست که روایات معصومین علیهم السلام از مهم ترین منابع معارف اسلامی و احکام شرعی هستند، و از آنجا که بیشترین این روایات به نحو خبر واحد به دست ما رسیده است توجه به این دسته از روایات و سخنان چگونگی حجیت آنها از اهمیت وافری برخوردار است؛ از جمله راههای بررسی حجیت این دسته از روایات استفاده از ادله تعبدی یعنی آیات دیگر و روایات متواتر است، از مهمترین آیاتی که برای اثبات حجیت خبر مورد استناد قرار گرفته است، آیات نبأ و نفر هستند. این پژوهش به هدف تبیین جایگاه سیره و بنای عقلاء در اثبات حجیت خبر واحد از طریق این آیات شریف صورت گرفته است. با توجه به اینکه بعضی از دانشمندان معاصر بر این نظر هستند که حجیت خبر واحد از اساس تنها به دلیل سیره عقلا امکان پذیر بوده و نقش شارع در این زمینه امضای این سیره است. بر اساس بررسی های به عمل آمده بدست آمد که بدون در نظر گرفتن بتای عقلاء در فهم آیات شریف، نمی توان به دیدگاه یگانه ای در اثبات حجیت خبر واحد رسید، و با توجه به بنای عقلاء می توان درک بهتر و دقیق تری از آیات شریف بدست آورد.

کلید واژه ها: سیره عقلا، حجیت، خبر واحد، آیه نبا، آیه نفر.

^۱. دانشجوی دکترای گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲. استاد بازنشسته گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

شک نیست بحث از حجیت خبر واحد از شاخص ترین، کهن ترین، پر ابهام ترین و پر ثمرترین مباحث در دنیای معارف اسلامی است؛ لیکن متأسفانه به دلیل اعمال سیاست مغرضانه عدم کتابت حدیث بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) اکثر روایاتی که بدست ما رسیده است به نحو خبر واحد است. از آنجا که روایات معصومین (ع) جایگاه ویژه ای در بیان شریعت و احکام دارد بحث از این مقوله از قدمت و اهمیت بسیاری برخوردار است. بحث از حجیت خبر واحد در بین علمای اهل سنت قبل از علمای شیعه مطرح بوده است و این بدان جهت است که اهل سنت بعد از وفات پیامبر اکرم ص در سال ۱۰ هجرت دوره نص را با وفات ایشان پایان یافته تلقی کردند و بر اساس اعمال سیاست منع کتابت حدیث، میراث خود را رفته رفته با شک و جهل آمیخته دیدند و با انبوهی از روایات واحد مواجه شدند که قابل اعتماد نبوده و می بایست موضع عملی خود را در برابر این حجم گسترده از روایات مشخص نمایند. (علم الهدی، ۱۳۹۲، ش ۱۷، ص ۱۰۳)

در طول تاریخ قدمت از بحث از حجیت خبر واحد، بیشتر دانشمندان شیوه استفاده از ادله تبعیدی یا درون متنی را در این مورد برگزیده اند؛ لیکن در دیدگاه بعضی از معاصرین به آیات (نبأ و نفر) با توجه به سیره عقلا برای اثبات خبر واحد نگاه شده است، و به نظر می رسد راهکار مطرح شده در این آیات، مطابق سیره عقلا و عرف رایج بین مردم بوده است، و شارع مقدس تنها آن را امضاء نموده است.

در مقاله پیش رو سعی شده است که پیرامون حجیت خبر واحد این دو آیه مشهور و مهم افزون بر ادله متنی از دیدگاه سیره عقلا نیز مورد بررسی قرار گیرند.

۱- تحلیل مفهومی

۱-۱- تعریف سیره عقلاء

بناء عقلاء یا همان بنای قطعی عقلاء و یا سیره قطعیه عقلائیه، در اصطلاح علم اصول فقه عبارت است از بنای عملی انسان ها در طول تاریخ بر انجام کار و یا ترک آن. (مظفر، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۵۳) به عبارت دیگر، سیره عقلاء به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است. (ولایی، ۱۳۸۷، ج ۱ ص ۲۴۳ و فیض، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۳).

سیره عقلاء بر دو قسم سیره متشرعه و سیره عقلائیه تقسیم می شود.

۱-۱-۱- تعریف سیره متشرعه

سیره متشرعه یا همان سیره شرعیه و یا سیره اسلامی، در بردارنده بنای عملی مسلمین بر انجام و یا ترک کاری است، این سیره از تعالیم اسلامی سرچشمه گرفته است نه از عرف عام، (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۲۰۷) از این رو ویژه مسلمین است.

این سیره به دو قسمت تقسیم می شود :

سیره عملی جمیع مسلمین خواه شیعه باشند و یا نباشند.

سیره عملی یک طایفه از مسلمین، به عنوان مثال سیره امامیه و شیعیان جهان.

۱-۱-۲- اقسام سیره عقلائیه

سیره عقلاء سیره ایست که عقلاء صرف نظر از اعتقادات و آیین مذهبی خود طبق آن عمل می کنند. بنابراین مسلمین و غیر مسلمین در عمل بر اساس آن باهم تفاوتی ندارند. این سیره به اقسام زیر تقسیم می شود:

سیره مردوعه

سیره ممضاه

سیره های غیر مردوعه

۱-۱-۲-۱- سیره مردوعه

سیره ای که عقلای عالم در زندگی خود از آن استفاده می کنند ولی شرع مقدس این شیوه و روش را قابل قبول ندانسته و آن را مردود شمرده و ابطال نموده است؛ همچنین شرع مقدس پیروان خود را از پیروی از این سیره منع نموده و به جای آن شیوه دیگری را به پیروان خود عرضه نموده است؛ بطور مثال عقلای عالم در موارد متعددی بر اساس قیاس عمل می نمایند ولی شرع مقدس از این سیره، و عمل به آن منع نموده است و روایات متعددی در رابطه با باطل بودن عمل به قیاس برای کشف علم و بدست آوردن یقین وارد شده است. (مظفر، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۱۵۱)

۱-۱-۲-۱- سیره های ممضاه

منظور از این سیره روشهایی است که شارع مقدس بطور مستقیم آنها را تأیید و امضا نموده است اگرچه ممکن است برای آن محدودیتها و شرایطی در نظر گرفته باشد؛ مانند آیات و روایاتی که در باب معاملات وارد شده

اند: شارع مقدس داد و ستد و بیع را حلال نموده است، که این احلال از نوع احلال امضایی است؛ (احل الله البیع) بدین معنی که شارع مقدس بیع هایی را که بین مردم و در عرف عقلاء رواج دارد، حلال و مشروع اعلام نموده است. (همان، ج ۳، ص ۱۵۲)

۱-۱-۲-۳- سیره های غیر مردوعه

در برابر دو سیره یاد شده، سیره هایی وجود دارد که از جانب شارع مقدس نه مورد تأیید و امضاء واقع و نه مردود شمرده شده است؛ مانند أخذ و عمل به خبر ثقه و یا أخذ به ظواهر. (همان)

۱-۲- معنای حجیت

کلمه حجیت از ریشه (حجج) به معنی وسیله پیروزی در هنگام مخاصمه است (فرایدی، ۱۴۱۴، ذیل کلمه حج) و همینطور به معنای برهان و دلیل، که وسیله غلبه بر دشمن است (ابن منظور، ۱۴۱۳ ذیل کلمه حج و جوهری ۱۳۷۶، ذیل کلمه حج) همچنین حجت به معنای، ادعای یکی از طرفین منازعه نیز می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵، ذیل کلمه حج) این کلمه در معنای (قصد) نیز بکار رفته است. گاهی نیز از روی توسع، به هر چیز درست و یا نادرستی که در اثبات امری به آن استدلال می شود، حجت می گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ذیل کلمه حج).

حجت در اصطلاح علم منطق به مجموعه تصدیقات معلومی است که منجر به کشف تصدیق مجهولی می گردد، گاهی هم به حد وسط قیاس حجت گفته می شود. (خوانساری، ۱۳۷۹، ج ۱ ص ۳۸) (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۲) در اصطلاح علم اصول حجیت، دلیلی است که متعلق خود را به جعل شرعی اثبات می کند در حالی که به درجه قطع و یقین نمی رسد، از آنجا که قطع به خودی خود حجیت دارد، و حجیت آن ذاتی است، حجت اصولی نمی تواند شامل قطع گردد. (مظفر، ۱۳۹۹ ج ۳، ص ۱۲)

۱-۳- معنای خبر واحد

کلمه (خبر) در اصل به معنای علم است و بعد در معنای آن چیزی که از دیگری نقل می شود بکار رفته است؛ و همچنین خبر را به معنای گزارشی دانسته اند که به شخصی می رسد و او را از مطلبی آگاه می سازد (زبیدی، ۱۴۱۴، ذیل کلمه خبر) کلمه واحد آن هنگام که صفت برای کلمه خبر واقع می شود به معنای خبری است که راوی آن واحد باشد، اما در ترکیب (خبر واحد) کلمه واحد، در برابر (متواتر) به کار می رود و شامل هر روایت و خبری است که تعداد روایت آن به حد تواتر نرسد هر چند تعداد راویان بیش از یک شخص باشد؛ به همین خاطر در تعریف خبر واحد بعضی از علماء گفته اند، روایتی است که به حد تواتر نرسیده باشد (عاملی، ۱۳۶۷، ص ۶۱ و فضلی، ۱۴۲۱، ص ۸۲ و مامقانی، ۱۳۶۹، ۱۰۵) بنابراین گفته شده: خبر از جهت افاده قطع و یقین، به

خبر متواتر و واحد قابل تقسیم است؛ خبر متواتر خبری است که راویان آن در هر طبقه به حدی باشند که عادتاً توطی همه آنها بر کذب ممتنع و محال باشد و افاده قطع و سکون در نفس کند (عاملی، ۱۳۶۷، ص ۱۲) (بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹) (مدیر شانه چی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳) در مقابل خبر متواتر، خبر واحد مطرح می شود که خصوصیات و ویژگی خبر متواتر را دارا نیست و ایجاد قطع و یقین و افاده سکون در نفس نمی نماید؛ به بیان دیگر می توان گفت خبر واحد، خبری است که توانایی نفی کذب از ساحت خود را ندارد چه راوی آن یک نفر باشد یا از طرق متعدد نقل شده باشد.

۱-۳-۱- اقسام خبر واحد

خبر واحد از جنبه های مختلف دارای اقسامی است. آنچه در پژوهش کنونی مورد بحث است، تقسیم خبر واحد است بر حسب صفات و احوال راوی همچون عدالت، توثیق، امامی بودن، ... در این تقسیم بندی خبر واحد به خبر صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می شود (مامقانی، ۱۳۶۹، ص ۲).

۱-۳-۱-۲- اقسام خبر واحد از نظر وجود یا عدم وجود قرینه

شیخ طوسی و سید مرتضی به عنوان دو نفر از شاگردان برجسته شیخ مفید دارای آراء متفاوتی در زمینه خبر واحد هستند. شیخ طوسی در تقسیم بندی اخبار و روایات، آنها را به دو دسته کلی خبر متواتر و آحاد تقسیم می نماید و سپس خبر آحاد را به خبر محفوف به قرینه و غیر محفوف به قرینه تقسیم می کند.

خبر محفوف به قرینه، یعنی همراه خبر واحد نشانه و شاهدی است که با وجود آن علم و یقین را بدنبال خود ایجاد می کند و می تواند مانند خبر متواتر از حجیت برخوردار گردد و در اعتبار آن تردیدی نیست و خبر غیر محفوف به قرینه، به خبری که فاقد نشانه ها و شواهد علم آور بوده که حجیت آن مورد اختلاف علماء می باشد، اطلاق می گردد. (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳)

۲- جایگاه بنای عقلاء در اثبات حجیت خبر واحد

اثبات حجیت خبر واحد افزون بر تکیه به منطوق و مفهوم آیات شریف قرآن کریم هم چون آیات نبا و نفر، نیاز به دلیل دیگری دارد. این دلیل بنای عقلاست که در موارد متعددی به آن استناد شده است. هم چنانکه بعضی از اصولیین تنها اتکاء به ادله لفظی را برای اثبات خبر واحد کافی ندانسته اند. بنای عقلاء در فهم آیات و استدلال به آن ها کاربرد بسیار دارد، زیرا درست است که راسخون در علم و معصومین (ع) مخاطبین اصلی آیات شریف قرآن کریم هستند، لیکن در مرتبه نازل از ایشان عقلاء مورد خطاب قرار گرفته اند، خطاباتاتی چون «یا ایها الناس» دلیلی بر این مدعاست. در زمینه اثبات حجیت خبر واحد نیز بنای عقلاء از دو جنبه به فقیه یاری می رساند. یکی

از جنبه درک آیات و چگونگی استدلال به منطوق و مفهوم آن ها و دیگر این که خود به تنهایی دلیلی بر اثبات حجیت خبر واحد به شمار می رود، به گونه ای که بعضی از علماء آن را قوی ترین دلیل برای اثبات حجیت خبر واحد دانسته اند.

موضوع مورد بحث در پژوهش پیش رو تبیین جایگاه بنای عقلاء در فهم درست و دقیق آیات شریف نبا و نفر است.

۲-۱- کاربرد بنای عقلا در اثبات حجیت اقسام خبر

دیدگاه هایی وجود دارد که بنای عقلاء تنها مبین اثبات حجیت خبر محفوف به قرینه قطعی، و یا خبر ممضاه است. لیکن باید گفت که خبر محفوف به قراین قطعی به خودی خود حجت هستند، و دیگر نیازی به جعل حجیت برای آن ها وجود ندارد. بنابراین آن چه در زمینه جعل حجیت مورد بحث است، خبر واحد غیر محفوف به قرینه است، و اخبار محفوف به قرینه از مورد بحث خروج تخصصی دارند.

اخبار ممضاه نیز از محل بحث خارج هستند، زیرا با وجود امضای شارع به جعل حجیت برای آن ها نیازی نیست.

بنابراین بحث از حجیت خبر واحد در زمینه اخبار غیر محفوف به قرینه و غیر مردوعه مطرح می شود، و با اثبات حجیت، عمل بر طبق این گونه اخبار واجب خواهد بود.

۳- بررسی آیات نبا و نفر در زمینه اثبات حجیت خبر واحد بر اساس مفهوم

حجیت خبر واحد از طریق دو آیه شریف نبا و نفر اثبات شده است. از این رو این آیات مورد بررسی قرار می گیرند.

۳-۱ - بررسی آیه نبأ

از مهمترین آیاتی که در حجیت خبر واحد مورد بررسی قرار می گیرد آیه نبأ است «یا ایها الذین آمنوا إن جائکم فاسق بنیا فتبینوا أن تصیبوا قوما بجهاله فتصبخوا علی ما فعلتم نادمین» (۶ / ۴۹) بدین معنی: ای کسانی که ایمان آورده اید اگر فاسقی برای شما خبری آورد آن خبر را از نظر درستی و نادرستی مورد بررسی قرار دهید، تا این که به جهالت نیفتید، و بر اساس انجام عملی جاهلانه نادم و پشیمان نگردید. برای اثبات حجیت خبر واحد این آیه از دو جهت مورد بررسی و استدلال قرار گرفته است:

الف - مفهوم وصف

ب - مفهوم شرط

۳-۱-۱- بررسی آیه نأ از جهت مفهوم وصف

آیه شریف نبا در مورد اخبار فردی بیان حکم می کند که دارای صفت فسق است، و در این صورت می فرماید خبر چنین فردی با چنین صفتی باید مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. بنابراین بعضی از علماء بر اساس مفهوم وصف چنین نظر داده اند که اگر فرد مخبر فاقد صفت فسق باشد تبیین و بررسی لازم نیست.

وصف واحد بودن خبر، وصف ذاتی محسوب می شود و وصف فاسق بودن، وصفی عرضی، و وصف ذاتی بر وصف عرضی مقدم است؛ در آیه کریمه امر به تفحص در مورد خبر به دلیل فاسق بودن مخبر آن بیان شده است نه از جهت واحد بودن خبر، بنابراین بر وصف عرضی تکیه شده است نه وصف ذاتی آن.

بر این اساس منطوق آیه این است که: خبر واحدی که مخبر آن شخص فاسقی است بدون تبیین و بررسی از صحت آن قابل پذیرش نیست، و حجیت ندارد و مفهوم آیه این است که: خبر واحدی که مخبر آن شخص فاسقی نیست بلکه فرد عادل محسوب می شود حجت بوده و نیازی به تبیین ندارد (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۲۳۴). زیرا فسق و عدل در برابر هم هستند. از این رو مخبر یا عادل است و یا فاسق و صفت دیگری از این نظر مطرح نیست.

البته بسیاری از اصولیین جملات وصفی را دارای مفهوم نمی دانند از این رو استدلال به مفهوم وصف در این آیه را نیز قابل قبول ندانسته اند و معتقدند وصف نمی تواند به یقین در مقام تعلیل حکم باشد (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۸۹) و بعضی نیز معتقدند اصولاً آیه شریف نبا در مقام بیان حکم حجیت خبر واحد نیست. ۳۲-۱-۲ -

بررسی آیه نأ از جهت مفهوم شرط

آیه شریف نبا در بر دارنده یک قضیه شرطیه است که در آن به وجوب تبیین و تفحص حکم شده است و موضوع حکم مطرح شده (نأ) است و شرط مطرح شده این است که فاسق آن خبر را بیاورد. مفهوم آیه، عدم تبیین هنگام انتفاء شرط می باشد. بر این اساس مفهوم آیه چنین است که: اگر فاسق خبر را بیاورد، و آورنده خبر غیر فاسق یعنی عادل بود، تبیین واجب نیست و عدم وجوب تفحص از خبر هنگامی که عادل آن را بیاورد، دلیلی به جز حجیت خبر عادل نمی تواند داشته باشد، و بدین طریق حجیت خبر عادل اثبات می شود.

البته بر این استدلال از دو جهت ایراد گرفته شده:

اشکال اول آنکه، شرط ذکر شده در این آیه از نوع جمله شرطیه محقق و مثبت موضوع دانسته شده و از این جهت جمله شرطیه مفهوم نخواهد داشت مرحوم آخوند خراسانی در پاسخ به این اعتراض فرموده اند این اعتراض زمانی وارد است که موضوع را (نبأ) و شرط (مجیب فاسق) فرض شود؛ اما اگر موضوع را (الجائی بالنبا) یعنی آورنده خبر و شرط آن (فسق) است در نظر بگیریم، در این صورت آیه در حکم این است که بگویم (إذا كان الجائی بالنبا فاسقا فتینوا) اگر آورنده خبر فاسق باشد تبیین واجب است بدین ترتیب شرط دیگر محقق و مثبت موضوع نخواهد بود و مفهوم (اگر آورنده خبر فاسق نبود و عادل بود تبیین لازم نیست) ثابت می شود. (صدر، ۱۳۹۲، ص ۲۴۷) (بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱)

اشکال دوم مطرح شده این است که در آیه شریفه علت تبیین از خبر را دوری و پرهیز از بر خورد با خبر جاهلانه دانسته شده است و عمل به خبر فاسق، عمل جاهلانه و بدون علم است و این مسئله (عمل جاهلانه و بدون علم) در بین تمام خبر های واحد منجمله خبر فرد عادل هم می تواند وجود داشته باشد. اگرچه بعضی مانند میرزای نائینی برای حل این مشکل منظور از جهالت را سفاهت دانسته اند و بدین جهت تعلیل ذکر شده در آیه امری ارتکازی و عرفی است و بهمین جهت چنین علتی عمومیتی بین خبر عادل و خبر غیرعادل به وجود نمی آورد و مانعی برای ظهور مفهوم نیست اما مرحوم امام به این پاسخ ها نیز اشکالاتی وارد می نمایند و آن ها را برای حجیت خبر واحد کافی نمی دانند (قلی پور گیلانی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۷).

با توجه به آنچه بیان شد، نیاز به استدلال به گونه دیگر لازم به نظر می رسد.

۳-۲- بررسی آیه نبأ برای اثبات حجیت خبر واحد با توجه به سیره عقلاء

بعد از بررسی آیه نبأ از جهت مفهوم شرط و وصف مورد بررسی قرار گرفت، همچنین نظر مخالفان و موافقان در زمینه دلالت مفهومی آیه بر حجیت خبر واحد و پذیرش تبعیدی این آیه به شرط عدالت و راستگویی راوی بیان گردید. اکنون به بررسی نظر علمای دیگری که به آیه از جهت سیره عقلاء دقت مصروف داشته اند می پردازیم؛ مرحوم مظفر از جمله کسانی هستند که به این دیدگاه اشاراتی دارند؛ ایشان ضمن اشاره به این نکته که در جامعه آن روز شیوه مردم مبتنی بر قبول خبر افراد دیگر بوده است اظهار میدارند که در آیه مفروض گرفته شده که خبر مقوله ای است که مردم بر آن اعتماد می کنند و پذیرفتن آن بدون تحقیق و بررسی میان ایشان متعارف است، و گرنه چرا خداوند از اخذ به خبر فاسق بدین لحاظ که فاسق است نهی کرده است؛ وقتی منبع و آورنده خبر فرد فاسقی باشد سزاوار است که افراد بدون تدبر و تحقیق آن را نپذیرند و خبر را مورد بررسی قرار دهند؛ در آیه وجوب بررسی و تحقیق از خبر، مشروط بر فاسق بودن راوی آن شده است و از ظاهر آیه این نکته به ذهن می رسد که خبر عادل چنین حکمی ندارد و مردم حق دارند که بر همان روش عادی

خویش که پذیرفتن خبر بود، باقی باشند و خبر عادل را بدون بررسی و تحقیق بپذیرند و آن را تصدیق کنند؛ منشأ و منبع چنین امری چیزی نیست جز معتبر بودن و حجیت خبر واحد عادل، زیرا از خبر عادل درستی و صدق انتظار می رود، و این مسئله کاشف از آن است که شارع مقدس نیز، سخن و خبر فرد عادل را معتبر می داند و احتمال خلاف آن را ملغی کرده است. ایشان در ادامه اظهار میدارند که به نظر می رسد با این شرح و توضیح پیرامون آیه، بسیاری از تردید های مطرح شده در مورد آیه از جهت اثبات حجیت خبر واحد از بین می رود. (مظفر، ۱۳۷۹، صص، ۲۳۴ و ۲۳۵)

۳-۳- بررسی آیه نفر در اثبات حجیت خبر واحد

آیه نفر، از آیاتی است که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن استدلال شده است: ((و ما كان المومنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم إذا رجعوا إليهم لعلهم يحذرون)) (قرآن: ۹: ۱۲۲)

برای مومنین جایز نیست که همگی کوچ کنند، چرا از هر گروهی (شهری) یک عده و طایفه ای کوچ نمی کنند تا دین را یاد گرفته (و عمل کنند) و در مراجعت قوم خویش (هموطنان) را (با نشر معارف دین) انذار نموده (آثار مخالفت با اصول و فروع دین را گوشزد ایشان بکنند) تا شاید بترسند (و تقوا بگیرند).

۳-۳-۱- بررسی آیه نفر در اثبات حجیت خبر واحد با توجه به مفهوم

دیدگاه های متفاوتی در مورد این آیه شریف برای اثبات خبر واحد وجود دارد.

مرحوم آیه الله خویی از جمله کسانی هستند که دلالت آیه (نفر) را بر حجیت خبر واحد تمام و قوی تر از آیه (نبا) می دانند: «الانصاف أن دلالة هذه الآية أظهر وأتم من دلالة آية النبأ» (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱ ص ۱۸۴) اصولیین دیگری چون مرحوم نائینی و مظفر نیز بر همین نظرند (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۳۸). در مقابل مرحوم شیخ انصاری در این مورد بر این آیه ایراداتی وارد نموده اند (خویی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۱۱) چنانکه مرحوم آخوند خراسانی نیز بر دلالت این آیه بر اثبات حجیت خبر واحد اشکالاتی مطرح کرده اند و مرحوم امام نیز به طور کلی این آیه را در مقام بیان حجیت خبر واحد نمی دانند.

در ابتدای آیه خداوند متعال نفر همه مردم را به نزد رسول اکرم صلوات الله علیه نفی نموده است چون لازمه نفر همه مردم موجب عسر و حرج و اختلال در نظام است، از این باب مقرر می شود که جمعی عهده دار این امر گردند چون جمله (ما كان المومنون لينفروا كافة) اگر به عنوان جمله خبری در نظر گرفته شود در مقام خبر دادن از یک واقعیت بوده و به معنای این است که مومنان همگی نمی توانند کوچ کنند و چنین عملی قابل

تحقق نیست، اگر هم این جمله را، جمله انشایی در نظر بگیریم که بصورت خبر ذکر شده است باز هم آیه شریفه در مقام انشاء و جعل، نفی از کوچ می کند (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۳۵).

خداوند متعال از باب ارفاق و تخفیف و رحمت و عطوفت به مومنان نفر همه مسلمین را نفی نموده اما راه دیگر و آسان تری را جانشین طریق اول (رفتن همه مردم برای تفقه) قرار داد و آن وجوب رفتن و نفر طائفه ای از هر گروه از مردم برای تفقه در دین است که وجوب نفر طائفه ای از هر گروه را از کلمه (لولا) تحضیضیه، که برای برانگیختن و واداشتن فعل آمده است می توان درک نمود؛ که هرگاه بر سر فعل ماضی درآید، بر ملامت و مذمت بر ترک دلالت دارد.

دلیل دیگر بر وجوب نفر در آیه، بخاطر غایتی است که در نفر بیان شده است. غایتی که برای نفر ذکر شده کوچ کردن برای تفقه در دین است و تفقه در دین، به منظور انذار باقی ماندگان است و انذار به منظور (حذر) کردن آنان از عقاب است و حذر از عقاب به حکم عقل واجب است؛ پس (انذار) هم واجب است و انذار متوقف بر (تفقه) در دین است پس تفقه در دین هم واجب است و تفقه متوقف بر (نفر) است پس نفر هم واجب است به نحو وجوب طریقی.

از مطالب یاد شده، استفاده می شود که نقل قول این طایفه و بیان آنچه که از حرام و حلال الهی می کنند، بر دیگران حجت است، یعنی اگر این طائفه انذار کردند بر دیگران واجب است که حذر کنند و پرهیزند و تقوا بورزند بدلیل اینکه که اگر سخن این طایفه در مورد دیگران حجیت نداشته باشد، دیگر مسئله جعل و تشریح وجوب نفر طایفه از سوی شارع عبث خواهد بود چون اثر و فایده ای بر آن مترتب نخواهد بود و از خداوند حکیم متعال کار بیهوده و عبث سر نمی زند. از مجموع آنچه که در ابتدا و انتهای آیه مطرح شده است، که در ابتدا وجوب نفر همگانی نفی شده و در ادامه و در ذیل آیه، نفر طایفه ای را واجب دانسته است چنین استنباط می شود که سخن و نقل این طایفه در زمینه بیان احکام و شریعت در حق دیگران اعتبار دارد و حجت است، اگرچه این نقل و سخن برای دیگران یقین آور نباشد و به حد تواتر که یقین آور است، نرسیده باشد. بدین جهت که در آیه ذکر شده است (لینذروا قومهم) که بطور مطلق آمده و مقید نشده است که (انذار) قوم بصورت یقینی صورت گیرد یا بصورت ظنی، و (لینذروا) هر دو معنا و مفهوم را در بر گیرد. پس معلوم می شود که سخن و نقل طایفه نسبت به احکام حجیت دارد ولو اینکه سخن این طایفه مستلزم یقین به حکم نباشد و بصورت خبر واحد مطرح شده باشد چون در غیر این صورت، تدبیر شارع لغو و عبث خواهد بود. (مظفر، ۱۳۷۹، صص، ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷)

البته لازم به ذکر است مرحوم شیخ انصاری (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷۱) و اخوند خراسانی و شهید صدر (صدر، ۱۳۹۲، ص ۲۴۹) از آیه مفهوم وجوب حذر را بواسطه کلمه (لعل) استنباط نمی کنند و از آیه مطلوبیت حذر را استنباط می کنند.

اشکال دیگر مطرح شده در مورد بحث پیرامون این آیه، بحث از مطلق گرفتن مفهوم حذر از آیه می باشد سخن شیخ انصاری پیرامون اشکال اول و مطلق نبودن مفهوم حذر چنین است: (لا استفاد من الکلام إلا مطلوبیه الحذر عقیب الإنذار بما یتفقهون فی الجملة لکن لیس فیها اطلاق وجوب الحذر بل یمکن أن یتوقف وجوبه علی حصول العلم ...) (انصاری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷۱). از آیه تنها می توان این مقدار را استفاده نمود که حذر و احتیاط بدنبال انذار به آنچه تفقه می کنند اجمالا مطلوب است اما در آیه اطلاق وجود ندارد تا دلالت بر حذر (در تمام حالات) بکند، بلکه ممکن است وجوبش را موقوف بر حصول علم (و یقین) دانست.

۳-۳-۱- بررسی آیه نفر در اثبات حجیت خبر واحد از جهت صفت عدالت راوی

آیه شریف نفر در اثبات حجیت خبر واحد از طریق تعبد مورد بررسی قرار گرفت. مورد دیگری که در استناد به این آیه شریف مطرح است، این است که آیا بر اساس این آیه شریف خبر هر مخبر و انذار کننده ای حجت است؟ و صفت عدالت شرط پذیرش انذار کننده هست یا نه؟ بنا بر نظر موافقین اثبات حجیت خبر واحد از طریق آیه شریف، چنانکه بیان شد، بر اساس آیه شریف پس از باز داشتن نفر عمومی و همگانی به سبب تساهل و عدم اختلال در نظام زندگی (و ماکان المومنون لینفروا کافه) مردم؛ ضمن اهمیت به فراگیری احکام و وظیفه مهم فقاهاست به نحو کفایی (فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین) به مسئله تبلیغ احکام دین پرداخته و وظیفه مهم حذر مردم توسط طایفه ای که در دین تفقه نموده اند اشاره دارد؛ حال بنا بر آنچه که در مورد آیه نفر گفته شد آیا می توان چنین برداشت کرد که آیه نفر اطلاق دارد؟ و اطلاق آن بدین معناست که حذر واجب است، حال منذر می خواهد منذر عادل باشد یا غیر عادل، امامی باشد یا غیر امامی؟، آیا چنین اطلاقی را می توان از آیه شریفه نفر برداشت کنیم و به این نتیجه برسیم که بر طبق آیه نفر حتی خبر ضعیف هم حجت است و شامل خبر ضعیف هم می شود؟

در جواب می توان گفت آیه نفر از این جهت در مقام بیان نیست؛ یعنی عادل بودن انذار کننده یا فاسق بودن او، و آیه نمی گوید کسی که تفقه در دین کرد، اگر به شما خبر داد، چه فاسق باشد چه عادل خبرش را بپذیرید، بلکه آیه تنها در مقام بیان اصل اعتبار خبر واحد است؛ اما اینکه آیا خبر، عدالت مخبر را لازم دارد یا نه؟ از این جهت در مقام بیان نیست.

بی شک بر اساس عقل می توان گفت خبر فرد غیر قابل اعتماد در امور معمولی قابل پذیرش و عمل نیست، چه رسد در امور دینی و احکام شرعی که از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بنابراین با استناد به این آیه شریف و پذیرش حجیت خبر واحد استدلال کامل و کافی نیست، و استناد به دلیل دیگری در این باب ضروری به نظر می رسد.

۳-۲-۳- بررسی آیه نفر در اثبات حجیت خبر واحد با توجه به بنای عقلاء

مخاطب در آیه شریف نفر کسانی هستند که کوچ نکرده اند، و بر ایشان واجب است که معارف و احکام را از کوچ کنندگان و مندرین اخذ کنند. بنای عقلاء در این مورد روشن می سازد که از نظر ایشان مندرین باید دارای چه صفتی باشند تا انذار و بیانشان مورد ثبوت قرار گیرد. از این رونکته ای که باید در مورد آیه نفر برای اثبات حجیت خبر واحد مورد توجه قرار گیرد، این است که آیه شریفه طبق همان متعارف عقلائی ذکر شده است؛ یعنی سیره و روش پذیرفته شده در میان عقلاء، بدین معنی که عقلاء به خبر هر مخبری اعتنا نمی کنند، بلکه مخبر باید نزد ایشان مورد اعتماد باشد، تا سخنش مورد قبول قرار گیرد، همان طور که در میان مردم متعارف است که اگر بچه ای خبری را آورد با توجه به نوع خبر و موقعیت او، خبر را مورد اعتنا قرار نمی دهند، پس می توان گفت به یاری بنای عقلاء آیه شریف افزون بر اثبات حجیت خبر واحد، به نحوی شرایط مندر را نیز بیان می کند، چون خطاب با عقلا و عرف مردم است و آنها به خبر فرد غیر عادل عمل نمی کنند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ص ۲۸۶) (فخلعی، ۱۳۹۶، ش ۱۰۹).

۴- نتیجه

با بررسی های بعمل آمده مشخص شد که اگر دلالت آیات را بدون در نظر گرفتن سیره عقلا مورد بررسی قرار دهیم با اقوال و نظرات متعدد رو برو خواهیم شد و به یک دیدگاه مشترک در زمینه استدلال برای اثبات حجیت خبر واحد نمی رسیم. چنانکه ایراداتی پیرامون مفهوم وصف و شرط برای آیه نبأ مطرح شد و همینطور اشکالاتی که در مورد آیه نفر در مورد اعتبار سخن راوی و فقیه بیان گردید، و اینکه آیا آیه در مقام بیان صفت راوی هست یا نه... اما وقتی این آیات را با شیوه سیره عقلا و با تکیه بر آن، مورد بررسی قرار می دهیم به وضوح به اعتبار حجیت خبر واحد می رسیم؛ شیوه ای که اغلب علماء معاصر در قبول حجیت خبر واحد قائل به آن هستند، و می توان گفت نگاه به این آیات با توجه به سیره عقلاء نگاه نوی در این زمینه است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس ، احمد ، ۱۳۹۹ ، معجم المقاییس اللغة ، ج ۶ ، دار الفکر ، بیروت .
۳. ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۲۰ ، دار الاحیاء التراث العربی و موسسه التراث التاريخ العربی ، لبنان .
۴. انصاری ، مرتضی ، ۱۳۹۸ ، رسائل ، ج ۳ ، شرح ، زنجانی ، دارالعلم ، قم .
۵. بجنوردی ، محمد ، ۱۳۸۵ ، علم اصول ، ج ۱ ، چاپ اول ، انتشارات مجد ، تهران .
۶. جوهری ، ابونصر اسماعیل ، ۱۴۰۷ ، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه ، ج ۶ ، دارالعلم الملايين ، بیروت .
۷. - خوانساری ، محمد ، ۱۳۷۹ ، منطق صوری ، ج ۲ ، چاپ ۲۳ ، موسسه انتشارات آگاه ، تهران .
۸. خویی ، ابوالقاسم ، ۱۴۲۲ ، مصباح الاصول ، ج ۲ ، چاپ اول ، موسسه احیاء تراث السید خویی ، قم .
۹. ----- ، ۱۳۶۸ ، اجود التقریرات ، ج ۲ ، چاپ دوم ، انتشارات مصطفوی ، قم .
۱۰. راغب اصفهانی ، ابوالقاسم ، معجم المفردات فی غریب القرآن ، تحقیق ندیم مرعشلی ، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان .
۱۱. زبیدی ، مرتضی ، بی تا ، تاج العروس من جواهر القاموس ، دارالهدایه ، تهران .
۱۲. سبحانی ، جعفر ، ۱۳۸۳ ، الموجز فی اصول الفقه ، ترجمه و شرح عباس زراعت ، ج ۲ ، نوبت چهارم ، انتشارات حقوق اسلامی ، قم .
۱۳. صدر ، محمد باقر ، ۱۳۹۲ ، دروس فی علم الاصول ، شرح ایروانی ، باقر ، نصایح ، قم .
۱۴. طوسی ، محمد بن حسن ، ۱۴۱۷ ، عده الاصول ، تحقیق محمد رضا انصاری ، چاپ ستاره ، قم .
۱۵. عاملی ، زین الدین ، ۱۳۶۷ ، الرعايه فی علم الدرايه ، چاپ کتاب خانه آیت الله مرعشی ، قم .
۱۶. فاضل لنکرانی ، محمد جواد ، ۱۴۲۸ ، رسائل ، مرکز فقهی ائمه اطهار ، قم .
۱۷. فراهیدی ، خلیل بن احمد ، ۱۴۱۴ ، کتاب العین ، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی ، ج ۳ ، انتشارات اسوه ، قم .
۱۸. فضلی ، عبدالهادی ، ۱۳۸۴ ، اصول الحدیث ، ترجمه محمد مهدی حقی و ابراهیم اقبال ، شرکت چاپ و نشر بین الملل ، تهران .
۱۹. فیض ، علیرضا ، ۱۳۶۷ ، مبادئ فقه و اصول ، چاپ دانشگاه تهران ، تهران .
۲۰. قلی پور گیلانی ، مسلم ، ۱۳۹۴ ، تدوین نموداری کفایه الاصول با نگاهی به نظرات امام خمینی ، چاپ هفتم ، موسسه چاپ و نشر عروج ، تهران .

۲۱. مامقانی، عبدالله، ۱۳۶۹، مقباس الهدایه، تحقیق علی اکبر غفازی، نشر صدوق.
۲۲. مدیر شانه چی، کاظم، بی تا، علم الحدیث و درایه الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۳. مظفر، محمد رضا، ۱۳۷۹، اصول فقه، ج ۲، امیر، قم.
۲۴. محمدی، حمید، چاپ پانزدهم، اصول فقه، ج ۳، ۱۳۹۹، دارالفکر، قم.
۲۵. ولایی، عیسی، ۱۳۸۷، فرهنگ تشریحی اصطلاحات علم اصول، چاپ ۶، نشر نی، تهران.
۲۶. مقالات
۲۷. علم الهدی، سید محمدصادق، ۱۳۹۲، (سیر تاریخی حجیت خبر واحد در اصول شیعه)، فصلنامه تخصصی علم اصول، ۱۷.
۲۸. فخلعی، محمد تقی، ۱۳۹۶، (باز خوانی ادله متنی حجیت خبر واحد در پرتو سیره عقلا) فصلنامه علمی فقه و اصول، ۱۰۹، دانشگاه فردوسی مشهد.